

جمعیت جهان

نوشته رائل اورزوا

جمعیت ۵/۴ بیلیونی کنونی جهان
پیش از تشبیت احتمالاً دو برابر خواهد شد



از آن هنگام، دانش بیشتر از روابطی که بین عوامل جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وجود دارد، برخی از باورهای کهن ما را تضعیف کرده است بدون آنکه باورهای جدیدی جایگزین آنها کند.

امروز کمتر کسانی جسارت عنوان این موضوع را دارند که گند کردن آنگاه رشد جمعیت به تنهایی بسرای تضمین بهبود سریع سطح زندگی فقیرترین طبقات جهان کافی است. آنها که تغییرات جمعیتی کنونی را بی جهت هندار تسلفی نمی کنند نیز تا جایی پیش نمی روند که انکار کنند مسیزان پایتشر رشد جمعیت و توزیع بگوا اختتر جمعیتها، مبارزه با توسعه یافتگی و فقر و مسائل زیست محیطی ناشی از فشار جمعیت بیش از حد را آسانتر می سازد. پس مؤثرترین شکل عمل برای اصلاح روند کنونی جمعیت چیست؟

برنامه ریزیهای
امکانپذیر

کنفرانس جمعیت جهان که در ۱۹۷۴ در بخارست برگزار شد صحنه پر خورده و فر ضیه مستفاد در زمینه چگونگی کاهش رشد جمعیت بود. فرضیه نخست که از پشتیبانی اکثر کشورهای در حال توسعه برخوردار بود در شمار «نوسعه،

کنفرانس عمومی سال ۱۹۴۸ یونسکو به رهبری جولین هاکسلی، نخستین مدیرکل، سه مسئله عمده جهان پس از جنگ را مورد توجه قرار داد - ناسیونالیسم، موانع پیشرفت تکنولوژیکی و رشد جمعیت. اهمیت «مسئله جمعیت جهان» هاکسلی را به نظری رهنمون ساخت که در «گزارش مدیرکل از فعالیتهای سازمان در ۱۹۴۸» بیان شد. طبق این نظری «جمعیت باید به طریقی با منابع موازنه شود و گرنه تمدن نابود خواهد شد».

در همان گزارش هاکسلی هندار داد که جمعیت جهان به ۲ بیلیون رسیده است و این رقم در اوایل قرن بیست و یکم قطعاً به ۳ بیلیون خواهد رسید. این پیش بینی بسیار خوشبینانه از آب درآمد. امروز جمعیت جهان ۵/۴ بیلیون است که طبق پیش بینیهای اخیر سازمان ملل تا سال ۲۰۲۵ به ۸/۵ بیلیون، یعنی تقریباً سه برابر رقمی که هاکسلی پیش بینی کرد، خواهد رسید و تا قرن بیست و دوم که جمعیت جهان در حدود رقم ۱۱/۶ بیلیون تشبیت خواهد شد رشد جمعیت متوقف نخواهد شد. بزرگی این رقمها مسئله رشد جمعیت را در گروه مسائلی قرار می دهد که شورای پژوهش ملی ایالات متحده امریکا به تازگی آنها را «مسائل بدیهی چون جنایت، بیماری، بی سوادی، گرسنگی و فقر که باید از طریق اتخاذ سیاستهای اجتماعی مناسب حل شوند» وصف کرده است.



تعداد کم و تنوع زیاد از اسطوخودوس در کشور

بهرترین وسیله ضد بارداری» خلاصه شده است. به عقیده طرفداران این فرضیه سپهبد مطیع زندگی، همراه بسا پیشرفتهای آموزش و پرورش پستاجار سبب پذیرش بهتر و تقاضای بیشتر برای وسایل کنترل زایش می‌شود. نظریه مخالف که بدگویان آن را «نومائوسی» نامیدند، علی‌رغم این حقیقت که از فرضیه‌های مالتوس انحراف قابل ملاحظه‌ای یافت براساس این اصل بود که کاهش میزان رشد جمعیت از طریق کاهش باروری، لازمه توسعه است و نه نتیجه آن. بنابراین طرفداران این فرضیه سازماندهی رشته اقدامهای بزرگی را برای گسترش اطلاعات و توزیع وسائل ضد بارداری پیشنهاد کرده.

لحن برنامه اقدام جهانی درباره جمعیت که در کنفرانس بخارست تصویب شد کمتر آسرا نه بود و توانست از تشویق اولیه بحث بکاهد. با این همه، ده سال بعد در کنفرانس بین‌المللی جمعیت که در اوت ۱۹۸۲ در مکزیک برگزار شد، این بحث در زمینه عقیدتی و سیاسی بسیار متفاوت برای ارزیابی اجرا و نتایج این برنامه دوباره پیش کشیده شد. استدلال مستقیم شدت توسعه در فضا نئولبرال از پشتیبانی ایالات متحده آمریکا بر خوردار شد، درحالی که این بار کشورهای درحال توسعه متقاضی برنامه‌های پرقدرت تنظیم خانواده بودند.

تولید جامع علوم انسانی و مضامین



مذافغان دیدگاه نولبرال بر این نظر بودند که یک مدل توسعه بر اساس ابتکار فردی آزادانه، همراه با بازار به عنوان تنظیم کننده اصلی اقتصاد، تنها مکانیسمی است که می‌تواند تضمین کننده توسعه پادوام و ایجاد شرایطی باشد که تحت آن درک زوجها از خانواده تغییر یابد و خودشان سرگزینند که فرزندان کمتر با فواصل مناسبتر داشته باشند. این دگرگونی ارزشها و تمایلات خانواده سبب تقاضا برای وسائل ضد بارداری می‌شود که بازار با کمک حائیه‌های دولت می‌تواند آن را برآورده کند.

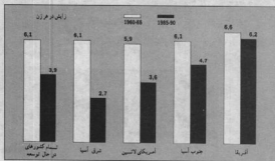
اصل عدم دخالت دولت، در مورد مسئله مهاجرتهای داخلی نیز صدق می‌کرد؛ هر دخالتی از سوی مقامات دولتی نه تنها به احتمال زیاد آزادهای فردی را نقض می‌کند بلکه کار بازار در زمینه کالاها و خدمات را نیز مختل می‌سازد، تا به آنجا که در نهایت سبب وخیم شدن همان مسائل اجتماعی می‌شود که این دخالتها به قصد حل کردنشان بوده است. دولتها و بسیاری از نظریه پردازان پشتیبان این نظریه به دلایل سیاسی مسئله مهاجرتهای خارجی را موردی جداگانه دانستند گرچه این کار برخلاف اصولی بود که سنگش را به سینه می‌زدند. گویی قوانین عرضه و تقاضا در این زمینه صادق نبود.

استدلال طرفداران برنامه‌های تنظیم خانواده ظاهراً در سرعت گذار جمعیت (مقاله صفحه ۱۷ را ببینید) در آمریکای لاتین و برخی کشورهای آسیایی، توجیهی یافت. این سرعت گذار جمعیت ناقض این نظریه بود که کاهش میزان زایش، مشروط به تغییر ساختاری است و پذیرش این نظریه را دربر داشت که پایین آمدن میزان زایش، حداقل تا اندازه‌ای، ناشی از تحول در شناخت آرزوها، نگرشها و ارزشهایی است که به زادن مربوط اند.

بر این مبنا، غذای درصدهای نتیجه‌گیری بوده‌اند که یک برنامه پر قدرت تنظیم خانواده می‌تواند بدون نیاز به اصلاحات اساسی اجتماعی و اقتصادی همچون ترمز برای باروری عمل کند. در این مرحله از بحث چنین نتیجه‌ای شتاب‌آمیز به نظر می‌رسد. بررسیهای مقایسه‌ای تاریخی که در زمینه گذار جمعیت انجام شده است نشان می‌دهد در حالی که عوامل ساختاری به عنوان لازمه کاهش میزان زایش شاید بیش از حد مورد تأکید قرار گرفته‌اند، نمی‌توان اهمیت آنها را کاملاً انکار کرد.

درس گرفتن از تجربه
 شاخصهای اجتماعی و جمعیتی تمام کشورها به تازگی در وضعیت جمعیت جهان، ۱۹۹۱، گزارش سالانه صندوق جمعیت سازمان ملل، به چاپ رسیده است. این شاخصها آنتگاری می‌کنند که:

- بالاترین میزانهای رشد جمعیت در فسرترین کشورها دیده می‌شود.
- اما استتاهایی هم هست: در برخی از کشورها رشد جمعیت پایینتر از آن است که با توجه به سطح تولید ناخالص ملی سرانه انتظار می‌رود.



● در کشورهای دیگری که شاخصهای اقتصادی در مقایسه بسیار پایین نیستند اما میزان رشد جمعیت بالاست، خلاف مورد بالا صادق است.

● بدون توجه به وجود یک سیاست رسمی کنترل جمعیت، درصد زنانی که از خدمات تنظیم خانواده استفاده می‌کنند تقریباً بدون استثنا در کشورهای توسعه یافته کمتر بالاتر است.

با توجه به این حقایق، ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا راهی برای کاهش مخفی‌دار میزان رشد جمعیت وجود دارد یا نه. پیش‌بینی‌های سازمان ملل که طبق آنها جمعیت جهان در حدود نیمه قرن بیست و دوم در تقریباً ۱۱/۶ بیلیون تثبیت خواهد شد، بر اساس این فرض است که در کشورهای درحال توسعه تفرزلی در میزان کلی باروری رخ می‌دهد که تا سال ۲۰۰۰ زایش در هر زن را از ۳/۸ به ۳/۳ کاهش خواهد داد. براساس عملی شدن این فرض درصد استفاده منظم از وسائل ضد بارداری در این کشورها باید از ۵۱ درصد کنونی به ۵۹ درصد برسد. یعنی، به بیان ارقام مطلق، در یک دوره ۹ ساله ۱۸۶ میلیون زن باید به طور منظم مثلاً قرصهای ضد بارداری مصرف کنند.

تجربه سالهای اخیر نشان می‌دهد که گسترش این ابعاد با استفاده منظم از روشهای تنظیم خانواده فوق‌العاده دشوار است. به استثنای آمریکای لاتین (غیر از آمریکای مرکزی)، کارائیب، آسیای شرقی و جنوب شرقی، سایر مناطق که بزرگترین سهم را در رشد جمعیت جهان دارند نباید به کاهش معادل حداقل ۱/۱ در تعداد متوسط زایش در هر زن دست یابند؛ در آفریقای جنوب صحرا این متوسط باید به بیش از نصف (از ۶/۸ زایش در هر زن به ۳/۳) کاهش یابد. فقیرترین کشورهای پانزده دریاقت کنندگان عمده گندک بین‌المللی در سالهای اخیر بوده‌اند ولی هنوز میزان باروری بالایی دارند. چنانکه ارزیابی نتایج نشان می‌دهد، کوششهای

روند باروری در جهان در حال توسعه، بر حسب منطقه (متغیر: سازمان ملل، ۱۹۹۰)

که از طریق اقدام به توزیع وسائل ضد بارداری همراه با ارائه اطلاعات، آموزش، ارتباط و برنامه‌های تنظیم خانواده برای سد کردن خیز موج جمعیت شده است، آشکارا بسیار مؤثر نبوده‌اند. این شکست نسبی، فرضیه‌ای را که تحول جمعیتی را از پیشرفت اقتصادی تفکیک می‌کند بسیار مورد تردید قرار می‌دهد و برای ما این پرسش را مطرح می‌کند که حق انتظاری دیگرمان چیست.

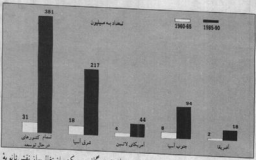
در تئوری، سه انتخاب داریم. انتخاب نخست این است که یک حد اکثر اجباری برای تعداد فرزند در خانواده تعیین شود. اما برخلاف پاراگراف ۲۹ برنامه اقدام جهانی درباره جمعیت است که به تمام کشورها توصیه می‌کند «هی توجه به هدفهای فراگیر جمعیتی خود، به حق افراد در تعیین آزادانه، آگاهانه و مسئولانه، تعداد و فاصله فرزندانشان احترام بگذارند و این حق را تضمین کنند».

انتخاب دوم تکیه بر «جادوی اقتصاد بازار» است به این امید که به سرعت فقیرترین کشورهای را از ورطه توسعه نیافتگی برهاند، نگرش خانواده‌ها را در مورد تعداد فرزندان تغییر دهد و بخشهای دولتی و خصوصی را تشویق کند به تقاضا برای وسائل ضد بارداری مؤثرتر و اکثراً نشان دهند. چنین اعتقادی به اقتصاد بازار، حداقل در جایی که فقیرترین کشورهای مطرح‌اند، مورد سؤال است. مکانیسم‌های بازار در این کشورها ضعیف‌اند. این کشورها در رقابت با کشورهای صنعتی که به تدریج بازارهای داخلی خود را حفظ می‌کنند و برای واردات کالا از کشورهای در حال توسعه متواضع بازرگانی به وجود می‌آورند.

انتخاب سوم، که عمدتاً از سوی اقتصاددانان و متخصصان علوم اجتماعی کشورهای در حال توسعه مطرح شده مورد حمایت نهادهای منطقه‌ای سازمان ملل و همچنین تعدادی از متخصصان برجسته کشورهای توسعه یافته است، این انتخاب پیشنهاد می‌کند که بخش بین‌المللی جدید کار، در جهت مساعدت و بازرگانی عادلانه‌تر بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه فعالیت کند و در عین حال اقدامات ملی را در جهت اولویت دادن به فقرزدایی و بالا بردن سطح رفاه عموم تقویت کند.

این انتخاب سوم که گاهی «توسعه عادلانه» نامیده می‌شود، شامل ارتقای سیاستهای اجتماعی مولد آموزش

پوستری تبلیغاتی سرشماری ۱۹۹۱ نامیبیا که با کمک صندوق جمعیت سازمان ملل انجام شد. فقدان داده‌های جمعیتی قابل اطمینان طرح نخستین برنامه توسعه ملی نامیبیا را که در اکتبر ۱۹۸۳ به اجرا درآمد، مدمر می‌سازد.



رشد شمار مصرف کنندگان و مسائل صادراتی بر حسب منطقه (منبع: سازمان ملل، ۱۹۹۰)

جلوگیری از فشارهای رشد و توزیع جمعیت است که انگیزه توجیهات هشدار دهنده تری از پیش بینی سازمان ملل است. این کار تنها در صورتی امکان پذیر خواهد بود که کشورهای توسعه یافته که زمام قدرت اقتصادی جهان را در دست دارند آماده پذیرش این مطلب باشند که تا زمانی که هدفهای درازمدت قربانی علاقی کوتاه مدت می شوند، مسائل جمعیتی و زیست محیطی حل نخواهند شد. دیگر اینکه، تجربه دفعه اخیر نشان می دهد که در مبارزه برای عدالت و علیه فقر و بی عدالتی اجتماعی، شرط لازم کوششی بزرگ برای برقراری، تحکیم و گسترش دموکراسی است.

جهان پیش از تثبیت شدن دو برابر شود. مشکل حل مسائلی که این دو برابر شدن جمعیت به دنبال دارد و جلوگیری از بزرگ شدن ابعاد غیر قابل پیش بینی آنها، وسایل نیست بلکه خواست سیاسی است. دیگر گوتنهای جاری صحنه سیاست جهانی فرصتی شاید منحصر به فرد برای جامعه جهانی است تا در همه جا برای تأمین رفاه مردم عادی به تلاشهای خود شدت و شتابی تازه بدهد.

و پرورش، بهداشت همگانی، مسکن و اشتغال-حاز نقش ثانویه کتونی و فرار دادن آن حداقل در موقعیتی همبای سیاستهای به شدت اقتصادی است که هدفشان در درجه اول رشد است. اگر می خواهیم فشارهای جمعیت مانعی در مبارزه علیه فقر نشود، باید بین این سیاستها، سیاستهای مربوط به میزان رشد و توزیع جمعیت را در اولویت قرار دهیم. ظاهراً عمل در این راستا بهترین شانس برای تسکین مسائل شدن به هدف

گذار جمعیت نوشته ژاک ورون

شوند میزان زایش بخیر خواهد کرد (دوره عدم تعادل حاد واسطاً). اصلاً به تدریج بند و مابعدهای تغییر در میزان سرگرمی و بارزک خواهد کرد که گرایش آنان را به داشتن فرزند کمتر بیشتر خواهد کرد. در عین حال، در جامعه‌ای که در اصل روستایی بوده است و گرایش به شهری شدن دارد وضعیت شش و سوندی (بر حسب کار) فرزندان دیگر مانند قبل نیست.

مدل گذار جمعیت بر مبنای مشاهده تغییر جمعیتی در طول تاریخ در کشورهای توسعه یافته امروز است که در آنها پایین آمدن میزان زایش، شهرنشینی، صنعتی شدن و بهبود آموزش و پرورش به دنبال پایین آمدن میزانهای سرگرمی رخ داده است. آیا این تغییرات بر اساسی باقی می ماند، اگر بوده است چگونه؟ آیا واقعاً می توان گفت مکانیسم خودکار وجود دارد که تعادل جمعیتی را برقرار می کند؟ اگر تعادل جمعیتی خود به خود برقرار خواهد شد، نگرانی برای تسلیخ جمعیت در بسیاری از کشورهای جهان سوم می سوزد است. برای مثال میزانهای بسیار بالای رشد جمعیت در کنیا و موزامبیک می تواند بسیاری به این منی باشد که این کشورها در حال گذر از مرحله حاد واسطه عدم تعادلند. اما آیا وقتی که جا به جایی حاد واسطه شدید باشد تعادل مجددی وجود خواهد داشت؟ رشد فوق العاده سریع جمعیت مساک حادی در ارتباط با آموزش و پرورش و اشتغال ایجاد می کند. این خطر نیز هست که میزان زایش پایین نیاید، زیرا تغییرات اجتماعی - فرهنگی ضروری برای به جریان انداختن مکانیسم تعادل خودکار رخ نخواهد داد.

اگر پذیرفته شود که فرقیه گذار جمعیت ناقص است، پس بسیار اساسی از طریق سیاستهای جمعیتی ضرورت می یابد و برنامه‌های کنترل جمعیت باید به اجرا آید. این نظر بحث را از زمینه علمی خارج می کند و آن را در حیطه سیاست قرار می دهد، بنابراین توجیه را بر مردم اثر می زانند. بالای زایش، به عنوان استدلالی برای سیاستهای دخالتگر، منسخر می کند.

آدولف لندری، سیاستمدار و دانشمند فرانسوی، در ۱۹۳۲ مفهوم جدیدی در ارتباط با تغییر جمعیت ارائه کرد که آن را «انتقال جمعیتی» نامید. بعدها، در دانشگاه پرنستون جمعیت گذار این مفهوم را برگزیدند و تحت عنوان «گذار جمعیت» بحث کردند. تری به آن دادند. این مفهوم را می توان چنین جمعیتی کرد: پیشرفت اقتصادی (آب توسعه) تعادل اولیه بین میزان سرگرمی و میزان زایش و در یک جمعیت معین بر هم می زند، اما این مسامحه سرانجام در اکثر سرخورد مکانیسمهای داخلی دوباره خود به خود برقرار می شود.

پیش از پیشرفتهای سطح متوسط پزشکی و بهداشت همگانی در فضای که گذشت کشورهای صنعتی سرزوری میزانهای بالای سرگرمی و زایش را گذراندند و در نتیجه میزان رشد جمعیت آنها پایین بود. به موازات پیشرفت علم پزشکی و بهبود بهداشت همگانی این تعادل موقتاً بر هم خورد. میزان زایش در کشورهای توسعه یافته از زایش شهری بزرگتر شد. نتیجه این کشورها (آب میزانهای بالای زایش و میزانهای پایین سرگرمی) یک دوره افزایش سریع جمعیت را گذراندند. سرانجام میزانهای سرگرمی در کشورهای توسعه یافته پایین آمد و تعادل جدیدی (میزان پایین سرگرمی و زایش) برقرار شد. به نظر می رسد که میزان زایش به نسبی در مقابل پایین آمدن میزان سرگرمی و انگشت نشان دهد، اما فقط پس از یک وقفه زمانی.

منطق این مدل گذار جمعیت ارزش گنگاهی دقیقتر دارد. در یک جامعه معین، اقدامهای مانع از پیشرفتهای بهداشت همگانی چون مخرج خارجی است. میزان سرگرمی ملاحظه نسبتاً تأثیر فرار می گیری، زیرا برخی از این پیشرفتهای پزشکی بر یکی از بخشهای اصلی میزان سرگرمی، یعنی سرگرمی کودکان، اثر عمده‌ای دارد. اما جامعه به میزان بالای سرگرمی کودکان عادت دارد و با میزان بالای زایش آن را میزبان می کند. برای روسازی با ساختار دست و پا فرزان در کودکی، بند و مابعد فرزان بیشتر دارند و تا زمانی که بند و مابعدا تکامل از تغییر می که در میزان سرگرمی رخ داده است آگاه

راول اوروزا

مهاجرت کننده براداری جمعیت در یونکو و مدیترانه جنوبی جمعیت و اسکان انسانی آن است. این جامعه‌شناسی، مدیر پیشین مرکز پژوهش اجتماعی - فرهنگی دورو بلادریو در اسپانیا و استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه کاتالونیک لیبی است. از جمله کارهای منتشر شده او «توسعه منطقه‌ای، مهاجرت و تریکز شهری در ترکیه» است. ۱۹۸۵ و انتخاب مقدم برای سازمان از تریو تا سال ۱۹۸۷ است.

ژاک ورون

جمعیت‌نگار فرانسوی، دوگم پژوهش در انستیتی ملی مطالعات جمعیت (INED) و مرکز جمعیت و توسعه (CEPED) کشور است. شناختن جمعیت و تریکز و روابط بین جمعیت و توسعه از زمینه‌های مورد علاقه توسعه